



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

**نگاهی به تاریخ بدعهدی های آمریکا در قبال ایران
(بازه زمانی از ۱۳۲۵ تاکنون)**



فرآورده های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: مهدی ناجی

۱	■ مقدمه و چکیده
۱	■ بدعهدی‌های آمریکا در قبال ایران قبل از انقلاب اسلامی
۴	■ بدعهدی‌های آمریکا در قبال ایران بعد از انقلاب اسلامی
۱۲	■ نگاهی به رویکرد ضد ایرانی دولت آمریکا
۱۳	■ کلام آخر



با مطالعه تاریخ مناسبات ایران و آمریکا، به وقایعی بر می‌خوریم که در آن‌ها، آمریکا به صورت فعالانه به تضييع حقوق ملت ایران پرداخته است. در این گزارش به مصادیق عهدشکنی و زیاده‌خواهی‌های آمریکا در مواردی همچون "اعتماد نابجای مصدق به آمریکا، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حمایت از حکومت استبدادی پهلوی، رویکرد خصمانه در قبال وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، بی‌توجهی واشنگتن به مفاد توافق الجزایر ۱۹۸۱ بین ایران و آمریکا خصوصا تعهد به عدم مداخله در امور داخلی ایران (به عنوان نخستین تجربه عهدشکنی آمریکا در برابر انقلاب اسلامی)، برقراری و تشدید تحریم‌های تجاری از سوی آمریکا در طول سال‌های جنگ تحمیلی و پس از پایان آن و البته خروج از برجام به عنوان ملموس‌ترین نمونه بدعهدی آمریکا و کوبیده شدن آخرین میخ بر تابوت برجام از سوی ترامپ در ۱۸ می ۲۰۱۸، (خروج غیر قانونی از یک تعهد چند جانبه) اشاره شده است. سیاست‌های منفعت‌طلبانه، سلطه‌جویانه و بدعهدی‌ها و نقض عهدهای آمریکا در قبال ایران، به همگان این واقعیت را گوشزد می‌کند که نباید به آمریکا اعتماد کرد و بدعهدی‌های این کشور را به فراموشی سپرد.

نگاهی به روابط ایران و آمریکا پیش از انقلاب اسلامی

خلاصه	مشرح	تاریخ و منبع
ایران و دکترین ترومن	دکترین ترومن ^۱ آغاز سیاست برنامه‌ریزی شده‌ی آمریکا برای مقابله با کمونیسم و اعمال نفوذ در مناطق مختلف جهان از جمله ایران محسوب می‌شود. وزارت امور خارجه برای به اجرا درآوردن آن، بلافاصله نهادی به نام «دفتر امور یونان، ترکیه و ایران» در وزارت امور خارجه تاسیس کرد. افزایش واردات کالاهای آمریکایی به ایران و تشویق دولت ایران به انعقاد معاهدات نفتی با سه شرکت نفتی از جمله نتایج انعقاد پیمان گسترش عملیات اصل چهار ترومن در ایران بود.	روابط ایران و آمریکا، از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی، حسن خداوردی، ص ۶۷
ایران و دکترین آیزنهاور	دکترین آیزنهاور ^۲ بسط دایره نفوذ و سلطه آمریکا در کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای همجوار شوروی، با استفاده ابزاری از خطر کمونیسم تحت عنوان «مقابله با نفوذ شوروی» بود. حکومت شاه یکی از نخستین حکومت‌های انگشت شمار خاورمیانه بود که علنا دکترین آیزنهاور را مورد تایید قرار داد. از سوی دیگر، ایران برای آمریکا حائز اهمیت بود؛ زیرا یکی از حلقه‌های مهم تکمیل استراتژی دیوار آهنین به دور شوروی محسوب می‌شد. - عوامل سه گانه: تحولات ناشی از ملی شدن صنعت نفت، تحركات حزب توده و همچنین خطر نفوذ کمونیسم، سبب شد که دولت آمریکا بیش از گذشته به امور داخلی ایران توجه نماید؛ بنابراین تسلط همه جانبه بر ایران، در دستور کار واشنگتن قرار گرفت. - دستگاه سیاست خارجی آیزنهاور بیشتر از ترومن بر ایران تمرکز یافت.	روابط ایران و آمریکا، از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی، حسن خداوردی، ص ۶۹

۱ - هاری ترومن، رئیس جمهور آمریکا، در تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۴۷ در جمع نمایندگان کنگره نطق مهمی ایراد کرد که بعدها به نام دکترین ترومن معروف شد.
۲ - ژنرال آیزنهاور از حزب جمهوری خواه با تبلیغات گسترده علیه ترومن مبنی بر اینکه نتوانسته کمونیسم را مهار کند، در انتخابات ۱۹۵۳ میلادی/۱۳۳۱ ش/ بر رقیب خود پیشی گرفت.

	<p>- "کودتای ۲۸ مرداد، ورود ایران به پیمان سنتو، امضای قراردادهای نظامی میان آمریکا و ایران که ورود مستشاران نظامی آمریکایی و تصرف کامل ارتش ایران را در پی داشت و تشکیل ساواک که مهره «سیا» در منطقه به حساب می‌آمد." از مصادیق عملکرد جدی سرویس‌های سیاسی و امنیتی آیزنهاور بود.</p> <p>- دومین حلقه دکترین آیزنهاور، در فوریه‌ی ۱۹۵۵ م/۱۳۳۴ ش با پیوستن ایران به پیمان دفاعی بغداد - مکمل مهم پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو)- عملی گردید. پیوستن ایران به این پیمان نشانه‌ی روی آوردن به استراتژی هم پیمانی با غرب بود و این پیمان، زمینه را برای قرار گرفتن حکومت ایران در کنار غرب در پویش جنگ سرد بین دو ابرقدرت، آماده ساخت.</p>	
<p>روابط ایران و آمریکا، از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی، حسن خداوردی، ص ۷۷</p>	<p>جان. اف. کندی^۱ برای مبارزه با شوروی، ایران را به عنوان کشوری که آمریکا می‌تواند در آن برنامه‌های اصلاحات خود را به اجرا درآورد؛ انتخاب نمود. دکترین کندی «اتحاد برای پیشرفت» دارای بعد عملی دیگری نیز بود که در صورت عدم توفیق اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، استفاده از نیروی نظامی برای سرکوب مطرح می‌شد.</p> <p>- سرکوب حرکت مردم تهران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، در پی انقلاب سفید و تصویب قانون کاپیتولاسیون (۱۱ مهر ۱۳۴۳) از نتایج دکترین کندی در ایران است.</p>	<p>تحلیل اصلاحات آمریکایی به ایران در دوره کندی</p>
<p>ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، حسن واعظی، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۹، ص ۷۱.</p>	<p>قرارداد کاپیتولاسیون که مستشاران، نظامیان، کارمندان آمریکایی و خانواده‌ها و بستگانشان را در ایران در صورت ارتکاب جرم از تعقیب قضایی مصون می‌داشت، در شرایطی محرمانه آن هم شبانه در مجلس به اصطلاح شورای ملی در ۱۱ مهرماه ۱۳۴۳ به تصویب رسید. این قرارداد قبلاً میان شاه و آمریکایی‌ها منعقد شده بود. دوازده روز پس از تصویب قانون کاپیتولاسیون آمریکا با پرداخت وام به ایران موافقت کرد. امام خمینی (۱۴ آبان، ۱۳۴۳) طی یک سخنرانی تاریخی فرمود: «غرور ایران را با این قرارداد پایمال کردند، غرور ما را شکستند ما چون ملت ضعیفی هستیم و دلاور نداریم باید زیر چکمه آمریکا برویم؟ آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از همه پلیدترند.»</p>	<p>تحلیل کاپیتولاسیون</p>
<p>روابط ایران و آمریکا، از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی، حسن خداوردی، ص ۸۳</p>	<p>کمک نظامی به کشورهای متحد و هم پیمان آمریکا برای مقابله با تجاوز، به شرط پذیرش مسئولیت اصلی دفاع از سوی آن کشورها را باید از مهم ترین اصول دکترین نیکسون^۲ دانست.</p> <p>- دکترین نیکسون در کشورهایی به اجرا درآمد که از توانایی لازم برای حفظ منافع آمریکا و جهان غرب برخوردار بودند.</p> <p>دلایل انتخاب ایران به عنوان محور دکترین نیکسون: ۱- موقعیت ژئوپولتیک ۲- حلقه اتصال ناتو و سنتو ۳- مبارزه با توسعه و نفوذ اتحاد شوروی در منطقه‌ی خلیج فارس ۴- تمایل شاه به قبول مسئولیت و ایفای نقش در منطقه ۵- ظهور دولت‌های عرب رادیکال و جنبش‌های ملی‌گرا.</p>	<p>تبدیل کردن ایران به عامل نیابتی آمریکا در خلیج فارس در دوره نیکسون</p>
<p>روابط ایران و آمریکا، از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی، حسن خداوردی، ص ۸۴</p>	<p>نقش ایران به عنوان اصلی ترین ابزار تامین منافع آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس، از زمان روی کار آمدن نیکسون در سال ۱۹۶۹ م/۱۳۴۸ ش/ آغاز و تا سقوط رژیم شاه در سال ۱۹۷۹ م/۱۳۵۷ ش/ ادامه داشت.</p> <p>- مهمترین پیامدهای تعیین ایران به عنوان ژاندارم آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس:</p> <p>* در اوایل دهه ۱۹۷۰م ایران یکی از ستون‌های نگهدارنده‌ی منافع آمریکا در خاورمیانه بود.</p> <p>* مجهزترین پایگاه‌های کنترل و مراقبت‌های نظامی از فعالیت‌های اتحاد شوروی، در ایران ساخته شد که فروش هواپیماهای آواکس به ایران جزئی از آن بود.</p> <p>* برای دفاع از منافع آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس توسط نیروهای ایرانی، بیشترین میزان و پیشرفته ترین نوع تجهیزات در اختیار شاه گذارده شد. تا به غیر از تهدید شوروی- که بازدارندگی اصلی آن همچنان توسط آمریکا باید صورت می‌گرفت- به تنهایی بتواند در برابر حمله‌ی هر کشوری، در منطقه‌ی خلیج فارس بایستند.</p>	<p>پیامدهای انتخاب ایران در دوره نیکسون</p>

۱ - روی کار آمدن کندی در آمریکا، دکترین کندی با عنوان «اتحاد برای پیشرفت»: بر این پایه استوار بود که برای مقابله با جنبش‌های ملی و کمونیستی، باید به اصلاحات سیاسی- اجتماعی کنترل شده در حکومت‌های متحد با آمریکا دست زد. ژانویه ۱۹۶۱ م / ۱۳۴۰ ش.

۲ - در ژانویه ۱۹۶۹ م/۱۳۴۸ ش/ ریچارد نیکسون به ریاست جمهوری آمریکا رسید.

<p>ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، حسن واعظی، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۹، ص ۷۵.</p>	<p>- نیکسون و کیسینجر در سال ۱۳۵۱ از ایران دیدن کردند. نیکسون در ملاقات با شاه قول بی سابقه ای به او داد و گفت ایران می‌تواند هرگونه سلاح و تجهیزات نظامی و غیرهسته ای را که مایل باشد از آمریکا خریداری کند. پیمان اقتصادی مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۳) ایران را متعهد می‌ساخت که در طی پنج سال یعنی تا سال ۱۹۸۰ بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار از آمریکا خرید کند و بازار ایران را درست در اختیار کالاهای آمریکایی قرار دهد.</p>	<p>تأثیرات دکنترین نیکسون بر تعمیق سلطه همه جانبه بر ایران</p>
<p>- آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، کامران غضنفری، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ج.ا.ا، ص ۱۸</p> <p>- اعتماد نافرجام (تاریخ بدعهدی های ایالات متحده آمریکا)؛ ابوذر گوهری مقدم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، ص ۲۷۶</p>	<p>«مادلین آلبرایت» وزیر امور خارجه آمریکا، طی یک سخنرانی در کنفرانس روابط ایران و آمریکا در تاریخ ۲۷ اسفند ماه ۱۳۷۸ در آمریکا، اعتراف کرد: «در سال ۱۳۳۲، ایالات متحده‌ی آمریکا نقش مهمی در هماهنگ کردن سرنگونی رژیم مردمی محمد مصدق بازی کرد. دولت آیزنهاور بر این باور بود که این عمل، به خاطر دلایل استراتژیک قابل توجیه بوده است.»</p> <p>- مصدقی که به شدت به حمایت و پشتیبانی ایالات متحده امید بسته بود؛ به راحتی با توافق حاصل میان انگلستان و آمریکا با کودتایی آمریکایی مواجه شد و رفتن او با آغاز دوره استبداد در ایران همراه شد.</p> <p>- سرانجام اعتماد مصدق به آمریکا: شاه بر خلاف قانون که محاکمه نخست وزیر را تنها توسط دیوان عالی کشور مجاز می‌شمرد؛ محمد مصدق را در دادگاه نظامی محاکمه و به سه سال حبس انفرادی محکوم کرد. دکتر حسین فاطمی (وزیر امور خارجه دولت مصدق)، کسی که پیشنهاد اولیه ملی شدن صنعت نفت را ارائه کرده بود؛ توسط دادگاه نظامی به اعدام محکوم و در حالی که بیمار بود؛ تیرباران شد.</p> <p>- با خیانت ایالات متحده به دولت ملی مصدق، معلوم شد که آمریکا بر خلاف شعارهایش مبنی بر حق حاکمیت ملتها و دولت‌ها بر سرنوشته‌شان، تنها منافع خود را مد نظر دارد.</p> <p>- دولت ملی مصدق، تنها به دنبال استقلال خود از بیگانگان بود و همین امر موجب شده تا ایالات متحده نقشه سرنگونی آن و روی کار آوردن دولت مستبد محمدرضا را مطرح سازد.</p>	<p>اعتراف به نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲</p>
<p>آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، کامران غضنفری، ص ۱۹</p>	<p>«مارک گازیوروسکی»: «ملاحظات امنیتی آمریکا، ایالات متحده را وادار می‌کرد بیش از هرچیز به تقویت نیروهای امنیتی ایران بپردازد. در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، «ساواک» سازمان امنیت بدنام ایران را با آموزش‌های گسترده و کمک‌های دیگر یاری داد. ملاحظات امنیتی باعث شد که ایالات متحده به پشتیبانی و تقویت یک رژیم سرکوبگر در دوره‌ی پس از ۱۳۳۲ بپردازد.»</p>	<p>حمایت آمریکا از سازمان ضد حقوق بشری ساواک</p>
<p>ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، حسن واعظی، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۹، ص ۷۶.</p>	<p>- دکترین حقوق بشر کارتر برای حکومت‌های دیکتاتوری متحد آمریکا، همان اهداف دکترین کندی را دنبال می‌کرد و بیشتر انگیزه‌های «واکسینه کردن» آنها را برای ممانعت از بروز انقلاب و حفظ آنان را در برابر فروپاشی دنبال می‌نمود.</p> <p>زمینه‌سازی برای شرایط اجتماعی: آمریکا به تحركات خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای ابعاد وسیعی بخشید و ایران از همه سو در مسیر تهدیدات جدی قرار گرفت. در سطح منطقه مهم‌ترین تهدید از سوی دولت بعثی عراق اعمال می‌شد. تحركات بین‌المللی^۱ و داخلی (طیف‌های مختلف ضد انقلاب، ۷۵ گروهک با ۱۸۴ نشریه) همه با هدف مشغول کردن مردم و مسئولین به منظور اجرای طرح «حمله به طیس» صورت می‌گرفت.</p>	<p>مصادیق خصومت‌های کارتر نسبت به مردم ایران</p>
<p>آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، کامران غضنفری، ص ۳۳</p>	<p>بر طبق اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی: کشتار صدها دانش آموز و دانشجو در دانشگاه تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ و متعاقب آن روی کار آمدن دولت نظامی ژنرال ازهراری، و سپس سانسور و تعطیل نمودن بسیاری از مطبوعات، دستگیری گروهی از فعالین مبارزات و اعمال خشونت بیشتر از سوی نیروهای امنیتی، با طرح و برنامه دولت آمریکا انجام گرفته است.</p>	<p>کشتار ۱۳ آبان و روی کار آمدن دولت نظامی ازهراری طراحی و برنامه دولت آمریکا</p>
<p>روابط ایران و آمریکا، از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه</p>	<p>- برژینسکی معتقد بود که سقوط شاه، علاوه بر پیامدهای سیاسی، باعث خواهد شد تا عراق که از حمایت شوروی برخوردار بود، به قدرت برتر منطقه تبدیل شود.</p>	<p>حمایت آمریکا از شاه تا آخرین لحظه</p>

۱ - در نیمه دوم فروردین ۱۳۵۹، تحركات عراق در مرزهای ایران به‌طور بی‌سابقه‌ای شدت گرفت. صدام به تاسیسات نفتی کرمانشاه حمله کرد. شیخ نشین های حاشیه جنوبی خلیج فارس با هماهنگی با صدام حسین خواستار تصرف جزایر ایرانی تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی گردیدند.

<p>جاسوسی، حسن خداوردی، ص ۱۰۸ تا ۱۱۷</p>	<p>- کارتر: ما درباره مخالفان شاه، اطلاعات کمی داشتیم، ولی بیانیها و شعارهای ضد آمریکایی آنها، برای قانع کردن ما در این مورد کافی بود که برای حفظ منافع خود باید به حمایت از رژیم شاه ادامه دهیم و هرگونه کمکی که از ما ساخته است، برای موفقیت او در مبارزه ی مایوسانه اش به خاطر حفظ تاج و تخت، در اختیار وی قراردهیم.</p> <p>- در ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ م/ ۳ آبان ۱۳۵۷ ش/ رئیس جمهور آمریکا در دیدار با اردشیر زاهدی از او خواست تا حمایت شدید آمریکا از شاه و ضرورت تصمیم گیری قاطع او را به وی اعلام نماید.</p> <p>- ژنرال هایزر در روز چهارم ژانویه ۱۴/۱۹۷۹ دی ۱۳۵۷/ در تهران در مورد مسئولیت خود گفت: باید در سه زمینه کار می کردیم: اول شکستن اعتصابها، دوم تقویت روابط ارتش و بختیار؛ سوم انجام اقدامات احتیاطی برای مقابله با سقوط دولت نظامی.</p> <p>- منافع ملی آمریکا تا آخرین ماه های بحران بر حفظ شاه تاکید داشت؛ اما زمانی که آمریکا پیروزی انقلاب را گریزناپذیر یافت، جهت حفظ منافع خود در ایران مجبور به پذیرش انقلاب و شناسایی دولت موقت گردید.</p>	
--	--	--

■ بدعهدی های آمریکا در قبال ایران بعد از انقلاب اسلامی

تاریخ و منبع	مشروح	خلاصه
<p>روابط ایران و آمریکا، از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی، حسن خداوردی، ص ۲۰۰</p>	<p>- یکی از متغیرهای اصلی و تاثیرگذار در شکل گیری بحران گروگان گیری را باید در متغیرهایی ملی جستجو کرد. چرا که پذیرش شاه توسط ایالات متحده و ملاقات مهندس بازرگان و برژینسکی در الجزایر این فرضیه را به ذهن متبادر می کرد که به رغم فلسفه ی شکل گیری انقلاب اسلامی که نفی ظلم و مبارزه با استبداد داخلی و سلطه ی بیگانگان بود، ایالات متحده همچنان در تلاش بود تا در انقلاب اسلامی (جمهوری اسلامی) نفوذ کرده و با خارج ساختن آن از مسیر اصلی، در نهایت پس از کنترل اوضاع، منافع خود را در ایران حفظ نماید. اما دانشجویان پیرو خط امام به منظور تحقق آرمان های انقلاب و خاتمه دادن به نفوذ آمریکا در ایران، سفارت این کشور در تهران را اشغال و دیپلمات های آمریکایی را به گروگان گرفتند که این امر، حمایت امام خمینی را در پی داشت. و نه تنها باعث ایجاد بحران در سطح روابط ایران و آمریکا، بلکه در سطح منطقه و جهان گردید. بحران گروگان گیری باعث گردید که بر هژمونی و طلسم شکست ناپذیری ایالات متحده، ضربه های اساسی وارد شود. این بحران ۴۴۴ روز تداوم پیدا کرد تا اینکه با میانجی گیری الجزایر و پذیرش خواسته های جمهوری اسلامی ایران و امضای بیانیه ی الجزایر بحران خاتمه یافت و گروگان ها آزاد شدند.</p>	<p>تبدیل سفارت آمریکا به مرکز جاسوسی و طراحی عملیات علیه انقلاب اسلامی</p>
<p>-اعتماد نافرجام (تاریخ بدعهدی های ایالات متحده آمریکا)؛ ابوذر گوهری مقدم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، ص ۳۰۴</p>	<p>- ۱۳ آبان ۱۳۵۸، سفارت ایالات متحده در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام اشغال شد. همچنین شکست نظامی آمریکا برای نجات دادن گروگان ها در طبس، زمینه برای ورود ایران به یک معادله دیپلماتیک با آمریکا از موضع بالا، بیش از پیش تقویت شد. به خصوص اینکه کارتر، به دنبال پایان یافتن ماجرای گروگان ها، قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده و پایان دوره زمامداری وی در کاخ سفید بود. برای همین، دولت آمریکا از کشورهای دیگر برای آزادی گروگان ها تقاضای مداخله کرد و به دنبال مذاکره با ایران، برای آزادی گروگان ها بود.</p> <p>- پس از آغاز به کار مجلس شورای اسلامی، مسئله گروگان ها در دستور کار مجلس قرار گرفت و این مسئله، در کمیسیون خارجی مجلس مطرح شد. ادموند ماسکی وزیر امور خارجه ایالات متحده، در نامه ای خطاب به محمد علی رجایی، نخست وزیر، خواستار مذاکره مستقیم برای حل مسئله گروگان ها شد. اما با فاصله کوتاهی، جنگ عراق علیه ایران آغاز شد.</p> <p>- در تاریخ ۶ مهر ۱۳۹۵، مجلس به اتفاق آراء، هرگونه مذاکره مستقیم و غیر مستقیم با آمریکا را رد کرد.</p>	<p>بیانیه های الجزایر (استفاده آمریکا از ضعف های بیانیه الجزایر)</p>

- شروط مجلس در خصوص گروگان‌های آمریکایی: چهار شرط مذکور، همان شرایطی بود که از سوی امام و در پیام ایشان به زائران خانه خدا مطرح شده بود: - اینکه آمریکا هیچ گونه دخالت مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی در امور ج.ا.ا نداشته باشد. - دستور ۲۳ آبان ۱۳۵۸ رئیس جمهور آمریکا و دستورات پس از آن، مبنی بر انسداد دارایی‌های ایران، کان لم یکن اعلام شود. - لغو تمامی دعوی و ادعاهای دولت آمریکا و شرکت‌های آمریکایی علیه ایران. - باز پس دادن اموال شاه معدوم و نافذ دانستن اقدام دولت ایران در اعمال حاکمیت خود مبنی بر مصادره اموال شاه معدوم و بستگان نزدیک وی طبق قوانین ایران.

- شروع مذاکرات با میانجی‌گری الجزایر: مجلس چهار شرط پیشنهادی را به عنوان محور مذاکرات دیپلماتیک به منظور تامین خواسته‌های ج.ا.ا در گرو آزادی گروگان‌های آمریکایی، تصویب و به دولت (شهید رجایی) ابلاغ کرد.

- دولت آمریکا پس از دریافت شرایط ایران توسط دولت الجزایر، سه شرط پیشنهادی را پذیرفت اما شرط چهارم که بازگرداندن ثروت شاه مخلوع است را با این استدلال که از مقدار آن بی‌اطلاع است؛ را رد کرد.

- در تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۹۵، لایحه‌ای مبنی بر حل و فصل اختلافات مالی و حقوقی دولت ج.ا.ا با دولت آمریکا، به تصویب مجلس رسید.

- پس از قبول شرایط ایران توسط آمریکا، در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ۱۳۵۹) بیانیه‌ای در مورد آزادی ۵۲ گروگان آمریکایی در تهران و استرداد حدود ۷/۹۷۷ میلیارد دلار دارایی‌های بلوکه شده در آمریکا صادر شد. جان کریستوفر، معاون وزارت امور خارجه آمریکا چند ساعت بعد از اینکه بهزاد نبوی (سرپرست گروه مذاکره کنندگان ایران)، متن موافقت نامه را در تهران امضاء کرد؛ وی نیز در الجزایر آن را امضاء کرد.

ضعف‌های بیانیه الجزایر: - عدم پیش بینی راهی برای جلوگیری از طرح دعوی ایرانیان دارای تابعیت مضاعف، اجرای فوری احکام محکومیت ایران، نحوه تعیین داوران ثالث و کافی نبودن بیانیه‌ها برای شناسایی و بازپس گیری اموال خانواده محمدرضا پهلوی، از جمله ایرادهای حقوقی بیانیه الجزایر است. - به علاوه دولت آمریکا با استفاده از این بیانیه‌ها مضاف بر آزادی گروگان‌ها، توانست مرجعی برای صدور احکام قضایی به وجود آورد. - گروهی از کارشناسان علت این نتایج را ضعف کادر مذاکره کننده ایرانی و خوش خیالی آنان به مذاکره با آمریکا عنوان می‌کنند و معتقدند بهزاد نبوی ضمن اینکه از تجربه و توانایی لازم برای انجام این مذاکرات برخوردار نبود، از مشارکت حقوقدانان و کارشناسان خبره نیز بهره‌ای نبرد. - اگرچه تعهدات دولت ایران بر اساس بیانیه الجزایر ایفا گردید؛ اما دولت آمریکا از پرداخت کامل مطالبات ایران خودداری نمود و عدم پایبندی خود به مفاد بیانیه‌های الجزایر و نیز قوانین بین المللی را نشان داد و به صورت آشکار در اجرای بیانیه‌های الجزایر کارشکنی کرد.^۱

- آمریکا در موارد متعدد، اصول اساسی بیانیه‌ها مانند تعهد به عدم مداخله در امور ایران را نقض کرد. به علاوه، آمریکا تحریم‌های تجاری را که موجب بیانیه‌ها ملغی اعلام کرده بود؛ در طول سال‌های جنگ تحمیلی و پس از پایان آن، به انواع و روش‌های دیگر برقرار و حتی تشدید نمود. نقض تعهدات آمریکا در بیانیه‌های الجزایر و تحمیل خسارات سنگین به ایران، آخرین تجربه نبوده، زیرا آمریکا در موارد متعدد، ضمن اعمال سیاست‌های فریبنده، به نقض گسترده تعهدات و قراردادهای خود دست زده است.

۱ - ماده‌ای از توافق نامه الجزایر تاکید می‌کرد که «ایالات متحده تمامی تحریم‌های تجاری را که از ۴ نوامبر ۱۹۷۹ تاکنون به ایران اعمال شده است، لغو خواهد کرد.» آمریکا بعد از شکست در دخالت در امور داخلی ایران، برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران از طریق فشارهای اقتصادی، دوباره به اعمال فشار از طریق برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و حمایت مستقیم از مخالفان و تروریست‌ها، هم زمان با تحریم‌های اقتصادی رو آورد.

<p>ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، حسن واعظی، تهران: سروش (انتشارات صداوسیما)، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹.</p>	<p>- حاکمان آمریکا دو طرح را پس از شکست حمله طیس در بهار ۱۳۵۹ در دستور کار قرار دادند که عبارت بودند از: الف- انجام یک کودتای نظامی با هدف سرنگونی ج.ا.ا با همکاری سران سابق ارتش، نیروهای ساواک، گروه‌های ضد انقلاب، متحدین آمریکا در منطقه و حمایت‌های مستقیم نظامی آمریکا. ب- سازماندهی طرح تجاوز نظامی گسترده از طریق یک کشور ثالث به ایران. آمریکا برای پیشبرد اهداف خود دو طرح را به طور همزمان دنبال می‌کرد: ۱- آماده کردن عراق برای حمله به ایران، ۲- هماهنگ ساختن کلیه نیروهای مخالف اسلام برای انجام کودتای نظامی.</p> <p>- سرانجام آمریکا تصمیم گرفت که کودتا را در اولویت اول و حمله عراق را در اولویت دوم قرار دهد. بنابراین ستادی در پاریس به رهبری شاپور بختیار به وجود آمد که هدایت کودتای نقاب (نوزده) را برعهده داشت. کودتای نقاب طی یک برنامه ریزی دقیق و حساب شده در نطفه خفه گردید و سران و عوامل آن بازداشت شدند و شکست دیگری در پرونده آمریکا ثبت گردید. آمریکا پس از شکست کودتای نقاب طرح دوم خود یعنی تحمیل جنگ خارجی علیه ایران را به مرحله اجرا درآورد و به دنبال آن دولت بعثی عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ از زمین و هوا و دریا به ایران حمله‌ور شد.</p>	<p>طراحی کودتای نوزده و جنگ تحمیلی</p>
<p>ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، حسن واعظی، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶.</p>	<p>- استراتژی مهار ایران در جلسات مشورتی ریگان با رئیس سیا، رئیس پنتاگون، مشاور امنیت ملی، وزیر خارجه، معاون رئیس جمهور و رؤسای مجلسین سنا و نمایندگان به تصویب رسید و به عنوان سیاست ملی ایالت متحده علیه ج.ا.ا از سوی دولت‌های بعدی آمریکا مانند جورج بوش و بیل کلینتون نیز دنبال شد. استراتژی مهار ایران از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۵ در صدر برنامه‌های آمریکا علیه ایران قرار داشت.</p>	<p>تلاش برای مهار دو گانه ایران</p>
<p>ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، حسن واعظی، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸.</p>	<p>- اقدامات جیمی کارتر در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹): ۱- بلوکه کردن کلیه اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا ۲- ممنوع کردن کلیه مبادلات دلاری توسط بانک‌های آمریکایی با بانک‌های ایرانی ۳- مسدود نمودن حساب‌های بانکی ایران در بانک‌های آمریکایی در داخل و خارج آمریکا.</p> <p>- اقدامات تحریمی ریگان در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶): طرح ریگان مبتنی بر نکات ذیل بود:</p> <p>۱- ممنوع کردن ورود هرگونه کالای ایرانی به آمریکا ۲- ممنوع کردن فروش تکنولوژی‌های دو منظوره به ایران. ۳- بین‌المللی کردن تحریم فروش فن آوری‌های پیشرفته به ایران ۴- گنجاندن موضوع روابط فنی و اقتصادی با ایران در دستور کار اجلاس هفت کشور صنعتی موسوم به جی ۷.</p> <p>- اقدامات تحریمی بیل کلینتون در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴): این طرح چون ابتدا توسط سناتور داماتو تهیه گردید به «طرح داماتو» معروف شد: ۱- تحریم خرید نفت و هرگونه معامله مالی و پولی با ایران ۲- ممنوعیت انتقال اعتبارات و مبادله ارز ۳- ممنوعیت نقل و انتقال هر نوع دارایی متعلق به ایران و ایرانیان؛ ۴- ممنوعیت صدور پروانه صادرات مجدد ۵- ممنوعیت ورود کالا و خدمات ایرانی به آمریکا؛ ۶- محرومیت شرکت‌های آمریکایی سرمایه‌گذار یا شرکت‌هایی که بخشی از سهام آنها آمریکایی است از سرمایه‌گذاری در امور مربوط به توسعه و بازسازی صنایع نفتی ایران.</p> <p>در این طرح فروش برخی از تولیدات کشاورزی و دارویی به ایران و انتقال نفت کشورهای آسیای میانه از طریق ایران به خلیج فارس به صورت «سوآپ» مستثنی شده بود.</p> <p>- تحریم‌های موسوم به طرح بنجامین گیلمن در سال ۱۹۹۶ (۱۳۵۷): ۱- ممنوعیت ارسال هر نوع کالا یا تکنولوژی مربوط به صنعت نفت و گاز که توانایی ایران را به میزان محسوسی تقویت نماید. ۲- اعمال مجازات‌های سنگین از سوی آمریکا علیه شرکت‌ها و موسسات غیرآمریکایی که مستقیم یا غیر مستقیم به ارتقای توان ایران در توسعه منابع نفتی و گازی کمک کنند هم در عرصه‌های سرمایه‌گذاری و هم در زمینه‌های مربوط به ارسال تکنولوژی و همکاری فنی. ۳- مجازات علیه شرکت‌ها و موسسات سایر کشورها</p>	<p>(استراتژی مهار ایران) اقدامات آمریکا برای پیشبرد خط مشی‌های مرتبط با تضعیف توان ملی ایران در بخش اقتصادی و مالی</p>

	<p>زمانی اعمال می‌شود که بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری نمایند. مجازات‌ها شامل شرکت‌ها و موسسات و افراد وابسته یا پیوسته نیز می‌شوند.</p> <p>- تحریم‌های فرامرزی ناشی از قانون داماتو: در تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۹۳ (۳ آبان ۱۳۷۲) آلفونسو داماتو، سناتور جمهوری خواه، لایحه‌ای را برای اعمال تحریم‌های اقتصادی همه جانبه علیه ایران مطرح کرد و این لایحه در کمیته امور بانکداری مجلس سنای آمریکا متوقف ماند. وی که شدیداً تحت تاثیر دستگاه لابی صهیونیسم جهانی قرار داشت در ۲۶ ژانویه ۱۹۹۴ یعنی دو ماه بعد مجدداً پیشنهادی برای تحریم کامل تجاری و مالی ج.ا. مطرح کرد که سرانجام در بهار ۱۹۹۶ (۳۰ خرداد ۱۳۵۷) در مجلس نمایندگان آمریکا تصویب شد و تقریباً یک ماه بعد به تصویب مجلس سنای آمریکا رسید. کلینتون در مراسم (۱۵ مرداد ۱۳۵۷) کاخ سفید، در حضور مقامات این کشور قانون مذکور را امضا و تصویب نمود. قانون داماتو نقطه عطفی در روابط سیاسی و بین‌المللی آمریکا محسوب می‌شود زیرا به موجب آن شرکت‌های غیرآمریکایی که بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال در صنایع نفتی ایران سرمایه‌گذاری کنند مشمول تحریم‌های سنگین آمریکا قرار خواهند گرفت.</p> <p>- تحریم‌های ناشی از فرمان‌های اجزایی بیل کلینتون: فرمان اجزایی اول: کلینتون دو فرمان اجزایی علیه ایران صادر نمود که تکمیل کننده طرح داماتو بود. کلینتون در فرمان شماره ۱۲۹۵۷ ۱۵ مارس ۱۹۹۵ (۲۴ اسفند ۱۳۷۳) اعلام کرد: دولت آمریکا باید مانع از کمک‌های مالی، مدیریتی یا نظارتی اشخاص آمریکایی در توسعه منابع نفتی ایران گردد. فرمان اجزایی دوم: کلینتون در تاریخ ۶ مه ۱۹۹۵ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۴) به شماره ۱۲۹۵۹، تحریم‌های زیر را برای علیه ایران برقرار کرد: ۱- ممنوعیت صادرات کالا، تکنولوژی و خدمات به ایران و دولت ایران؛ ۲- ممنوعیت هرگونه معامله نظیر واسطه‌گری یا به هر نحو دیگر توسط اشخاص آمریکایی در مورد کالا و خدمات با منشاء ایرانی یا در تملک و یا تحت کنترل دولت ایران. ۳- ممنوعیت سرمایه‌گذاری جدید از طرف اشخاص آمریکایی در ایران و یا دارایی‌هایی که متعلق به دولت ایران است یا توسط دولت ایران کنترل می‌شود. ۴- ممانعت شرکت‌ها و سایر اشخاص آمریکایی از تأیید، فراهم کردن، تسهیلات، و یا اعطای کمک‌های مالی برای مواردی از فعالیت شرکت‌های تابع خارجی یا سایر تشکیلاتی که متعلق و یا تحت کنترل آمریکایی‌ها هستند؛ از صادرات مجدد و معاملات بازرگانی که افراد آمریکایی از انجام آنها برحذر شده‌اند.</p>	
<p>ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، حسن واعظی، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۹، ص ۱۴۶.</p>	<p>طبق بررسی محتوای اخبار و گزارش‌های رادیوهای بیگانه به ویژه رادیو آمریکا و رادیو آزادی (۱۹۹۷-۲۰۰۰) و همچنین بررسی مواضع مقام‌های رسمی آمریکا و گزارش‌های سیا به کنگره نشان می‌دهد آمریکا برای استحاله نظام و انقلاب بر محورهای زیر تاکید دارد: ۱- ایجاد و تشدید تضاد میان دین با آزادی و اسلام با دموکراسی ۲- تقویت سکولاریسم ۳- القای تضاد و تعارض میان علم و توسعه با دین و اخلاق ۴- نقد و نفی مستمر دستاوردهای انقلاب اسلامی و نظام ۵- القای تضاد ماهوی میان اسلام با آزادی‌های مدنی ۶- نفی مقبولیت و مشروعیت قانون اساسی ۷- تضعیف پایه‌های وحدت در کشور ۷- مخدوش ساختن یکپارچگی نظام و مدیریت‌های اجزایی و کلیدی و ...</p>	<p>(استراتژی مهار ایران) سیاست آمریکا در جهت تخریب چهره ج.ا. در افکار عمومی خط مشی آمریکا برای استحاله نظام</p>
<p>روابط ایران و آمریکا، از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی، حسن خداوردی، ص ۱۸۸</p>	<p>- بعد از دوم خرداد علی‌رغم تحولات در سیاست خارجی ج.ا. و با انعطافی که دولت اصلاحات در مقابل آمریکا از خود نشان داد اما آمریکاییان انعطاف دولت جدید را نشانه عقب‌نشینی آن ارزیابی می‌کردند. بدین ترتیب این کشور بعد از دوم خرداد سعی کرد جهت اعمال فشار بر ایران از سه عامل حقوق بشر، تروریسم و تسلیحات اتمی و جمعی علیه ج.ا. استفاده کند.</p> <p>حقوق بشر: استفاده ایالات متحده از این حربه در قبال کشورها دوگانه بوده است. این کشور، همواره دولت‌هایی مانند ایران، چین، لیبی و سایر کشورهایی که در جهت منافع و سیاست‌های این کشور حرکت نمی‌کنند</p>	<p>تداوم اعمال فشار ایالات متحده علیه ایران در دوران دولت اصلاحات</p>

	<p>را به نقض حقوق بشر متهم می‌کند و از طرف دیگر در قبال کشورهایی چون رژیم اشغالگر قدس، عربستان و خیلی از کشورهای دیگر به راحتی حقوق انسان ها را نقض می‌کنند.^۱</p> <p>عامل تروریسم: اتهام حمایت از تروریسم و دست داشتن ج.ا.ا در اقدامات تروریستی، ابزار دیگری بوده است که ایالات متحده بعد از دوم خرداد برای اعمال فشار بیشتر بر این کشور استفاده نموده است.^۲</p> <p>عامل تسلیحات کشتار جمعی و اتمی: آمریکاییان همواره نگرانی خویش را به اصطلاح از آنچه که آنان تحت تداوم حرکت ایران به سمت توسعه سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی و موشک‌های بالستیک می‌نامد، ابراز کرده‌اند. به اعتقاد آنان تلاش‌های مخفیانه برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی به رغم کنوانسیون‌های بین‌المللی عدم تکثیر مربوطه از سوی ایران کماکان ادامه دارد.^۳</p>	<p>از طریق سه عامل حقوق بشر، تروریسم و تسلیحات اتمی و جمعی</p>
<p>اعتماد نافرجام (تاریخ بدعهدی های ایالات متحده آمریکا)؛ ابوذری گوهری مقدم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، ص ۳۰۴</p>	<p>- برجام؛ توافقی مبهم و یک جانبه</p> <p>- شروط نه گانه رهبر انقلاب؛ تلاشی برای جلوگیری از بدعهدی‌های آمریکا</p> <p>- اولین نشانه‌های نقض برجام در دولت اوباما</p> <p>- موارد نقض گسترده برجام</p> <p>- ترامپ و ادامه راه اوباما</p> <p>- اروپا و تقسیم کار سیاسی پسابرجامی</p> <p>- تردید در خصوص آینده برجام در اوپا</p> <p>- کاهش تعهدات برجامی ایران در واکنش به تعلل و بدعهدی های مداوم اروپا</p> <p>- لزوم بازنگری در ریشه های دشمنی غرب</p> <p>* با روی کار آمدن دکتر حسن روحانی و انتخاب محمد جواد ظریف به عنوان وزیر امور خارجه، مذاکره کنندگان توافق سعدآباد با جدیت بیشتری مذاکره را با طرف های غربی و به ویژه ایالات متحده، در پیش گرفتند. در نتیجه در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵، توافقی بین‌المللی بر سر برنامه هسته ای ایران میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان)، در شهر وین صورت گرفت.</p> <p>* بر اساس متن «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام» قرار شد تا ایران ذخایر غنی سازی متوسط خود را پاک‌سازی، ذخیره اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ قطع و همچنین تعداد سانتریفیوژهای خود را تا حدود دو سوم، به مدت حداقل ۱۵ سال کاهش دهد. همچنین بر اساس برجام، ایران غنی سازی بیش از ۳/۶۷ درصد را متوقف کرده و هیچ تاسیسات غنی سازی جدید یا راکتور آب سنگینی نخواهد ساخت. علاوه بر محدودیت هایی در بخش های فنی و هسته‌ای تاسیسات هسته‌ای کشورمان، به منظور بررسی، نظارت و تایید اعمال این محدودیت‌ها از سوی ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تمامی تاسیسات هسته ای کشورمان دسترسی منظم خواهد داشت. بر اساس برجام و در ازای اجرای تمامی این تعهدات، قرار شد تا ایران از ذیل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و آمریکا خارج شود. بیانیه توافق توسط فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان با حضور رسانه‌ها به زبان‌های انگلیسی و فارسی، قرائت و اعلام شد که طرفین به توافق جامع دست یافته اند. پس از دستیابی طرفین به</p>	<p>برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)</p>

۱ - به عنوان مثال مارتین ایندیک در انجمن آسیایی آمریکا: ایالات متحده هم چنان شاهد ادامه بازداشت بدون اتهام رسمی ۱۳ تن از اعضای جامعه یهودیان شیراز و اصفهان به خاطر اتهامات بی اساس جاسوسی است.

۲ - به عنوان مثال در گزارش سالانه ی ۱۹۹۷ م وزارت خارجه آمریکا آمده است که ایران در ۱۷ عملیات ترور در طی این سال دست داشته است.

۳ - به عنوان مثال زمانی که جمهوری اسلامی ایران، یک موشک بالستیک شهاب ۳ را که قادر به حمل کلاهک تا مسافت ۸۰۰ مایل بود را مورد آزمایش قرار داد. آمریکا این تحول را تهدیدی بالقوه علیه دوستان خود در منطقه و حضور خود در آنجا محسوب نمود.

	<p>برجام، شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه مشهور ۲۲۳۱، رسماً از این توافق، حمایت کرده و با گنجاندن آن در حقوق بین الملل، عمل به برجام را به صورت قانونی الزام آور کرد.</p> <p>* موارد نقض گسترده برجام: - تمدید «قانون تحریم‌های ایران» موسوم به آيسا از سوی کنگره آمریکا - ایجاد محدودیت سفر به آمریکا برای اتباع کشورهای که مشمول «برنامه لغو روادید آمریکا» هستند، به دلیل سفر به ایران. - تلاش آمریکا برای ایجاد فضایی منفی علیه ج.ا.ا در شورای امنیت سازمان ملل متحد - تعلل عمدی دولت آمریکا در رفع موثر تحریم‌های هسته‌ای - تلاش برای جلوگیری از عادی سازی تجارت سایر کشورها با ایران و بهره مند شدن ج.ا.ا از منافع اقتصادی برجام. - تاخیر غیرموجه از سوی خزانه داری آمریکا در صدور مجوزهای لازم برای فروش یا اجاره هواپیمای مسافربری به ایران. - ایجاد مقررات دست و پاگیر و موانع روانی در مسیر دسترسی آسان بانک مرکزی ایران، به منابع مالی خود. - اتخاذ مکرر مواضع منفی مقامات عالی رتبه آمریکا علیه برجام. - مقدمه چینی برای شانه خالی کردن از مسئولیت و تعهدات برجامی دولت آمریکا.</p> <p>* ترامپ و ادامه راه اوباما: روی کار آمدن ترامپ، موجب تغییرات ملموسی در سیاست‌های اعلامی ایالات متحده به ویژه در مورد توافق هسته‌ای بود؛ اما نباید از نقش اوباما و بدعهدی‌های او چشم پوشی کرد. ترامپ از همان روح برجامی سخن گفت که اوباما به آن اشاره کرده بود. ترامپ همان تحریم ویزایی را علیه ایران به اجرا گذاشت که زیرساخت قانونی آن را دولت اوباما، مهیا کرده بود. دونالد ترامپ در ادامه قانون تحریمی آيسا در دولت اوباما، قانون کاتسا ۲۰۱۷ (مشهور به سیاه چاله تحریم ها) را امضا کرد. باراک اوباما در دی ماه ۹۵ در سخنرانی خداحافظی خود در شیکاگو اعلام کرد که برنامه هسته‌ای ایران را بدون شلیک یک گلوله، متوقف کرده است. تلاش آمریکا برای خروج از برجام، برنامه‌ای بود که دونالد ترامپ از زمان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، در سر داشت و بارها در مبارزات انتخاباتی آن را بیان داشته بود. در نهایت در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، دولت آمریکا رسماً از برجام خارج و بازگشت تحریم ها به صورت گذشته را اعلام کرد.</p> <p>لزوم بازنگری در ریشه های دشمنی غرب: تجربه های مختلف همچون سیاست های تنش زدایی یا گفت و گوهای انتقادی، توافق سعدآباد و نقض عهد آشکار ایالات متحده در خروج از برجام، همگی برای اثبات این حقیقت کافی است که نمی توان به غرب و ایالات متحده و وعده های آن ها اعتماد کرد.</p>	
<p>-اعتماد نافرجام (تاریخ بدعهدی های ایالات متحده آمریکا)؛ ابوذر گوهری مقدم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، ص ۳۰۴</p>	<p>- موارد نقض گسترده عهدنامه مودت</p> <p>- تحریم‌های یک جانبه غرب</p> <p>- خروج آمریکا از برجام و عهدنامه مودت</p> <p>- احراز صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری</p> <p>- واکنش به رای دیوان</p> <p>* از جمله بدعهدی‌های اخیر ایالات متحده در برابر عهدنامه‌های بین‌المللی، اعلام خروج از «عهدنامه مودت» است. پیمانی که بارها در طول حیات خود، شاهد نقض عهدهای ایالات متحده بوده است. عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی است که در سال ۱۳۳۴، در زمان ریاست جمهوری دوايت آيزنهاور و نخست وزيری حسين علاء امضا شد. این عهدنامه بارها از سوی ایران مورد استناد دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه قرار گرفته است.</p> <p>* موارد نقض گسترده عهدنامه مودت: - جیمی کارتر: ممنوعیت واردات نفت از ایران، مسدود کردن دارایی های ایران، ممنوع کردن صادرات ارسال قطعات و لوازم نظامی در سوم نوامبر ۱۹۷۹</p>	<p>نقض مکرر عهدنامه مودت (۱۹۵۵)</p>

- رونالد ریگان: اتهام حمایت از تروریسم به دلیل انفجار پایگاه تفنگداران آمریکایی در بیروت (اکتبر ۱۹۸۳)

و تحریم ناشی از آن در خصوص ممنوعیت فناوری های چند منظوره و برخی محدودیت های پولی بانکی، ثبت نام ایران در لیست کشورهای حامی تروریسم (۱۹۸۴). جورج هربرت واکر بوش (بوش پدر): طراحی ایده «سیاست مهار علیه ایران»، تحریم علیه انتقال فناوری به ایران و کالاهای دومانظوره تحت عنوان قانون علم گسترش سلاح ایران و عراق (۱۹۹۳). - بیل کلینتون: ممنوعیت کمک به توسعه منابع نفتی ایران (۱۹۹۵)، قانون تحریم ایران و لیبی معروف به داماتو (۱۹۹۶) - جورج واکر بوش (بوش پسر): تمدید داماتو، فرمان اجرایی ۱۳۳۲۴ در خصوص ممنوعیت معاملات با اشخاص خارجی مصمم به حمایت از تروریسم (۲۳ سپتامبر ۲۰۰۱)، ایجاد محدودیت علیه ایران در راستای جلب اعتبار و سرمایه از طریق بانک جهانی و صندوق بین المللی پول. فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ در خصوص قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست ممنوعیت اشخاص خارجی حامی گسترش سلاح های هسته ای (ژوئن ۲۰۰۵). - باراک اوباما: تمدید داماتو، تحریم کشتیرانی ایران (۲۳ دسامبر ۲۰۱۰)، قانون جامع تحریم ایران، پاسخگویی و کاهش سرمایه گذاری (۲۰۱۰)، تحریم بانک مرکزی، بانک سپه، بانک صادرات، بانک صنعت و معدن، بانک رفاه کارگران، تحریم برای حمایت از دموکراسی بعد از حوادث انتخابات ۱۳۸۸ علیه اشخاص (محمد رضا نقدی، عباس جعفری دولت آبادی و ...) و همچنین علیه بسیج و نیروی انتظامی، تحریم ۵۰ دانشمند هسته ای و جمعی از قضات و سیاستمداران (۹ ژوئیه ۲۰۱۱) و قانون تحریم نفت و بانک مرکزی (۳۱ دسامبر ۲۰۱۱).

* تحریم های یک جانبه غرب: - قانون داماتو به عنوان تجاویزی به حق حاکمیت دولت ها و اصل تساوی، اصول منشور ملل متحد و نقض آشکار عهدنامه مودت، به عنوان یک قانون غیر متعارف و مغایر مقررات بین المللی و تناقضی آشکار با بند ۳ ماده ۱ منشور سازمان ملل، در خصوص همکاری بین المللی در حل مسائل بین المللی بوده که دارای جنبه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستانه است. همچنین ناقض بند ۴ ماده و قطعنامه های شورای امنیت منشور و مجمع عمومی سازمان ملل متحد محسوب می شود.

- دبیر کل کمیته مشورتی حقوقی آسیا و آفریقا در تهران اعلام کرد: اعمال قوانین فرامرزی داماتو و هلمزبرتون، ناقض بسیاری از قوانین بین المللی، از جمله مفاد منشور ملل متحد است که اجرای چنین قانونی، مانع توسعه کشورهای رو به رشد و شکوفایی اقتصادی است.

- علاوه بر اینکه این تحریم ها، ناقض عهدنامه مودت هستند؛ خلاف حقوق بین الملل و مصداق بارز تروریسم اقتصادی است که با هدف انگیزه های سیاسی، با ایجاد نگرانی، رعب، وحشت و سلب آرامش مردم، در یک جامعه صورت می گیرد. نظیر تحریم های سخت گیرانه و هوشمندانه ایالات متحده آمریکا و شورای اتحادیه اروپا به ویژه در ژانویه ۲۰۰۶ تا ژوئن ۲۰۱۸ که به طور کلی با هدف آسیب زدن به زیر ساخت های بخش انرژی (نفت و گاز)، محدودیت های شدید مالی و عدم امکان بهره گیری از خدمات موسسات مالی و اعتباری را در خصوص انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی ایجاد کرده است. به گونه ای که در سال ۲۰۱۲، صادرات نفت ایران از ۲۵ میلیون بشکه به یک میلیون بشکه رسید و دلیل آن، تحریم خرید نفت ایران توسط ۲۰ کشور و تحریم شرکت های همکار خارجی بوده است که موجب کاهش نظام ارزی و پولی ایران شد. چنانچه لوئیس کریس بری عنوان می کند که اقدام به تحریم و ضربه های اقتصادی یک جانبه بعد از دهه ۹۰، به حدی مخرب و نامطلوب است که تلفات ناشی از آن، بسیار بیشتر از سلاح های ممنوعه و کشتار جمعی است.

- با اعلام خروج ترامپ از عهدنامه مودت و برجام و اعمال تحریم های گذشته و قرار دادن برخی موسسات، نهادها و اشخاص جدید در لیست تحریم ها، این نقض عهد، بیش از پیش هویدا شد.

* خروج از برجام و عهدنامه مودت: در پی تلاش آمریکا برای خروج از برجام، دونالد ترامپ در روز ۱۸ اردیبهشت، رسماً خروج از برجام را اعلام کرد. و گفت «بالاترین سطح از تحریم های اقتصادی» علیه ایران

اعمال خواهد شد. دقایقی بعد از اعلام خروج آمریکا از برجام توسط ترامپ، وزارت خزانه داری آمریکا در بیانیه ای دستورالعمل خروج از برجام را منتشر نموده و اعلام کرد، اقدامات فوری را برای اجرای تصمیم رئیس جمهور انجام می‌دهد. طی این بیانیه اعلام شده که تحریم‌ها علیه ایران طی بازه ۹۰ روزه و ۱۸۰ روزه، باز خواهند گشت. به گونه ای که در پایان این دوره‌ها، تحریم‌های قابل اجرا به اثرگذاری کامل برسند. این امر شامل اقدامات در چارچوب هردو دسته تحریم‌های اولیه و ثانویه است.

- خروج ایالات متحده از برجام، فی‌نفسه نقض برجام و همچنین، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است. تحریم‌های یک جانبه ایالات متحده علیه ایران نیز که پس از مدت کوتاهی مجدداً برقرار شد، به طور عام نقض حقوق بین‌الملل و اصولی از قبیل همکاری، عدم مداخله و احترام به حاکمیت، در برابر ملت‌ها است که از موازین اساسی مطرح شده در منشور ملل متحد و نیز حقوق بین‌الملل عرفی، به حساب می‌آیند؛ علاوه بر این، وضع تحریم‌های یک جانبه با بسیاری از موازین بین‌المللی حقوق بشر، در تضاد است.

- احراز صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری: با احراز صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در شکایت ایران از نقض عهدنامه مودت از سوی ایالات متحده، قاضی عبدالقوی احمد یوسف، رئیس دیوان، در قرائت رای موقت تا رسیدگی به پرونده در دیوان اعلام کرد: - آمریکا بر اساس تعهداتش ذیل پیمان مودت، باید به نحو مقتضی هر مانع برآمده از دستور ۸ می ۲۰۱۸ بر صادرات آزاد دارو و تجهیزات پزشکی، محصولات کشاورزی و قطعات و تجهیزات یدکی هواپیمای مسافرتی، از جمله تعمیرات، گارانتی و بازرسی لازم برای ایمنی هوانوردی را رفع کند. - طرفین باید از هر اقدامی که مناقشه را تشدید کرده یا دامنه آن را گسترش داده و حل مناقشه را دشوارتر کند، خودداری نمایند. این بند عملاً آمریکا را از اعمال تحریم‌های بیشتر، از جمله احیای تحریم‌های یک جانبه نفتی که می‌تواند دامنه مناقشه را گسترش دهد، منع می‌کند.

* واکنش به رای دیوان: پس از صدور این رای، ابتدا سفیر آمریکا در هلند، این رای دیوان بین‌المللی دادگستری را زیر سوال برد و در ادامه، نخست، دولت آمریکا این حکم را محکوم کرد و نپذیرفت. مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا با طرح این ادعا که ایران از عهدنامه مودت به عنوان ابزاری برای حمله به آمریکا، استفاده کرده است، اظهار داشت که «امروز در اینجا اعلام می‌کنم که ایالات متحده عهدنامه مودت با ایران را باطل کرده است. پمپئو همچنین در واکنش به رای دادگاه گفت: متأسفیم که دادگاه نتوانست تشخیص دهد، هیچ صلاحیتی در موضوع تحریم‌های مربوط به ایالات متحده ندارد. محمد جواد ظریف در توییتش نوشت: «آمریکا، برجام را- که یک توافق چند جانبه بود و در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت گنجانده شده بود- به بهانه تلاش برای دستیابی به معاهده ای دو جانبه با ایران لغو کرد. امروز، بعد از آنکه دادگاه لاهه حکم داد، آمریکا نقض یک معاهده واقعی میان آمریکا و ایران و تحریم مردم ایران را متوقف کند، این کشور از آن پیمان خارج شد. (این کشور) رژیم قانون گریز است.

■ نگاهی به رویکرد ضد ایرانی دولت آمریکا

- دولت آمریکا در سال ۱۳۷۹ (بهار سال ۲۰۰۰) رسماً و علناً به دخالت مستقیم در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اقرار و اعتراف نمود.

- دولت آمریکا با فشار بر حکومت دست نشانده شاه قانون ننگین کاپیتولاسیون را بر ملت ایران تحمیل نمود.

- حمایت همه جانبه آمریکا از حکومت جنایتکار، استبدادی، غیرمردمی و غیردموکراتیک شاه.

- حمایت آمریکا از عراق در جریان جنگ تحمیلی

- قرار دادن راهبرد کاهش تضعیف ظرفیتهای ملی و مالی ایران در دستور کار آمریکا.

- آمریکا دائماً به دنبال بحران سازی علیه جمهوری اسلامی ایران، کودتای نقاب، سفارت آمریکا کانون بحران سازی و مرکز جاسوسی علیه انقلاب اسلامی در ابتدای پیروزی انقلاب، حمایت عملی آمریکا از تروریسم کور و جنایات سازمان یافته.

- مخالفت آمریکا با دستیابی ایران به تکنولوژی های پیشرفته و فن آوری مدرن

- مخالفت آمریکا با عبور خطوط لوله نفت و گاز آسیای میانه از ایران.

- حمایت تحریک آمیز آمریکا از ادعاهای امارات بر سه جزیره ایرانی، مقابله آمریکا با تمامیت ارضی ایران.

- تصویب بودجه در کنگره آمریکا برای حمایت از مخالفین نظام و سرنگونی حکومت و تاسیس رادیو آزادی و تبلیغات دروغ و مغرضانه علیه ایران.

- مخالفت آمریکا با سهم منطقی ایران در دریای خزر

- حمایت مستقیم آمریکا از گروههای تروریستی در منطقه برای تضعیف اقتدار و نفوذ ایران

■ کلام آخر

آمریکا در طول تاریخ خود، بارها این واقعیت را نشان داده که در سیاست خارجی خود و برای تحقق منافعش، از هیچ اقدام خلاف قانون و اخلاق، فروگذار نکرده است؛ به نحوی که حاضر است، به راحتی معاهدات خود را در هر سطحی که باشد، به بهانه های واهی زیر پای بگذارد. پاسخ اعتماد ملت‌های مختلف به آمریکا، نتیجه مطلوبی به دنبال نداشته و گاهی با زیاده خواهی‌های پایان ناپذیر و گاهی هم با رفتار مغرضانه، همراه شده است. به عبارتی دیگر، دو روی سکه اعتماد به آمریکا، زیاده خواهی و بدعهدی بوده است. بدعهدی‌های آمریکا را نباید رفتاری در برابر طرف‌های متخاصم برآورد کرد؛ موضوعی که سیاست‌های زیاده‌خواهانه آمریکا در برابر دو شریک تجاری خود، در پیمان نفتا از آن پرده برداشت.^۱ نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، تکرار کلیشه بدعهدی‌های آمریکا حتی در برابر معاهدات جهانی و چند جانبه است. در همین راستا می‌توان به خروج دونالد ترامپ از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ اشاره کرد. این گزارش بازخوانی و بیانگر سیاست‌های منفعت‌طلبانه و سلطه‌جویانه و بدعهدی‌ها و نقض عهد‌های آمریکا در قبال ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی بود که به ما متذکر می‌شود نباید تاریخ بدعهدی‌های آمریکا را به فراموشی سپرد.



^۱ - کمی بعد از ورود ترامپ به کاخ سفید، مذاکراتی برای حل و فصل برخی از مسائل تجاری موجود در نفتا آغاز شد. در نهایت، در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸، یک توافق مقدماتی میان سه شریک تجاری به دست آمد. نام جدید این توافق، «توافقنامه ایالات متحده-مکزیک-کانادا» USMCA بود. اگرچه امضای این قرارداد از سوی ایالات متحده، به پیروزی ترامپ در دیپلماسی اقتصادی عنوان شد؛ اما حفظ توافق و مذاکره مجدد، هزینه‌های زیادی را برای مکزیک و کانادا برداشت. این دو کشور با تن دادن به فشار ایالات متحده و پذیرفتن موارد گسترده‌ای از درخواست‌های ترامپ، هزینه‌هایی را به اقتصاد خود وارد آوردند که می‌تواند در بلندمدت بر اقتصاد، اثرات نامطلوبی در پی داشته باشد. اگرچه ایالات متحده در دستیابی به توافقی جدید و جایگزین نفتا موفق شد و در واقع، توانست تا حدودی زیاده خواهی‌های خود را به همسایگانش دیکته کند، اما این کارشکنی، از رفتار عهد شکنانه و زیاده خواهانه آمریکا پرده برداشت.